

## آفتاب بر سر دولت مهتاب بر بام مردم

« روند حرکت اقتصادی دولت مطلوب است. مردم دارند پول دار می شوند و این فرصت خوبی است و باید خوشحال بود. تورم کنترل شده است. سرمایه گذاری ها افزایش پیدا کرده، هوا آفتابی است و زندگی لذت بخش بهاری در جریان است، ما در جامعه نگرانی نمی بینیم»  
الهام سخنگوی دولت، روزنامه های شرق و روزنامه کار و کارگر ۸۵/۲/۱۲

اولین سؤال و مهم ترین سؤال از سخنگوی راستگوی دولت اینست: این هوا برای چه کسانی آفتابی است؟  
اگر از مردم سؤال شود، پاسخشان اینست: برای عده قلیلی آفتابی و برای عده کثیری شدیداً ابری است.

هوا آفتابی است برای کسانی که کار دارند، برای کسانی که ثروت دارند، سرمایه دارند، از نظر شغلی تامین هستند و دغدغه بیکار شدن کابوس زندگی شان نیست. برای آنها هوا کاملاً آفتابی است.

هوا برای کسانی آفتابی است که اصلاً نمی دانند قرارداد موقت چیست؟ نمی دانند حقوق ۱۵۰ هزار تومانی و ۱۸۰ هزار تومانی (که آن را هم نمی دهند و بهانه ای شده برای اخراج در سال ۸۵) چیست و این پول فقط خرج يك روز یکی از آقازاده هایشان است. هوای کوهپایه های تهران واقعا هم برای آنها آفتابی است.

برای کسانی که نمی دانند گرسنگی یعنی چه؟ و آنرا با سین می نویسند و یا با صاد، اجاره نشین و دربه در نیستند و بچه هایشان سرگرسنه بر زمین نمی گذارند و بیکار و سرگردان در شهر نیستند، هوای جمهوری اسلامی واقعا آفتابی است. برای کسانی که شب عید با اجازه دولت مرکبات با تعرفه صفر وارد می کردند، برای آنها که سیمان و آهن با تعرفه صفر وارد می کنند و از کنار آن میلیارد ها تومان به ثروت خودشان اضافه می کنند، هوا خیلی آفتابی است.

### هوا ابری است

برای ۵ میلیون بیکار (که بتدریج دارد سر به ۸ میلیون نفر می زند- ندیمی نماینده مجلس نهم، روزنامه کار و کارگر ۸۵/۲/۷) که شب ها سر گرسنه بر زمین می گذارند و یا مجبور هستند دست به کارهای خلاف و خلاف کرامت انسانی (دزدی، قاچاق، خود فروشی و...) بزنند، که بیشترشان سر از زندان در می آورند و.... هوای مملکت بدجوری ابری است.  
برای انبوهی از مردم بیکار و گرسنه ای که در سخنرانی های احمدی نژاد در شهر ها و استان ها جمعشان می کنند و رئیس جمهور وعده های هوائی و سر خرمن می دهد، هوا بس نا جوانمردانه ابری و تاریک است.

برای کشاورزان و باغدارانی که بیش از ۸۰ درصد زحمتشان را میدانداران و بنکداران میوه و تره بار و وارد کنندگان مرکبات، شکر، پنبه، روغن و..... (آن هم با تعرفه صفر) می خورند و مجبور هستند برای ادامه تولید محصولاتشان جهت هزینه تولید سال آینده شان، محصولاتشان را پیش فروش کنند، و یا از ادامه کشت و کار دست بردارند و با زن و بچه آواره اطراف شهرها شوند، هوا خیلی ابری است.

برای کارگرانی که بعلت واردات افسار گسیخته رسمی و قاچاق و با تعرفه صفر (حدود ۶۰ میلیارد دلار در سال) و خصوصی سازی غارتگرانه بیت المال کارخانه هایشان ( آهن، سیمان، پارچه، کفش، لوازم خانگی و...) در رکود تولید بسر می برند، ماه هاست که حقوق

نگرفته اند، تهدید به اخراج می شوند و یا اخراج شده اند و جهت تامین خرج زن و بچه شان مجبوراند دست به هر کاری بزنند، اکنون سالهاست آفتاب از زیر ابر در نیامده است؟  
برای کارخانه ها و کارگران خودرو سازی که بر اثر واردات خود رو در سال ۸۵ تهدید به تعطیلی و بیکاری می شوند (روز نامه کار و کارگر ۲/۷ ۸۵)، نه آفتابی در آسمان ایران است و نه مهتاب!

هوا برای کارگرانی که کارفرما های اسلامی (جا نماز آب کش ها و پیشانی سیاه ها ی متظاهر به اسلام) با گرفتن ورقه سفید امضاء ، هر آن که تصمیم گرفتند می توانند آنها را اخراج کنند، ابری است؟

مطلبی تحت عنوان « هراس از آینده مهمان دائمی زندگی کارگران» که رنجامه کارگران ایران است را در روزنامه کار و کارگر ۸۵/۲/۱۳ بخوانید، (این رنجامه را کارگران خراسان رضوی و همجواریان مرقد امام رضا نوشته اند) بخوانید تا بدانید خورشید چگونه به بام کوتاه خانه های محقر زحمتکشان ایران نمی رسد.